

رابطه معنا و زمینه در فهم نظریه‌های سلطنت مشروطه و مشروطه

دکتر علی اکبر امینی* / دکتر احسان شاکری خوئی**

چکیده

فقه شیعه، قبل از مشروطه و عصر قاجار، چندان به مسائل اجتماعی و سیاسی علاقه نشان نمی‌داد. همگام با تحولات عصر مشروطه خواهی و جدال قدیم و جدید در ایران، فقه سیاسی و نظریه پردازي شیعه در باب دولت نیز متحول شد. در این عصر فقها و علمای بزرگ شیعه، در قالب دو مکتب و سنت فکری و فقهی ایران و نجف، به طرح دیدگاه‌ها و مواضع سیاسی و فقهی خود در ارتباط با قدرت سیاسی و دولت پرداختند. دو نظریه مهم سلطنت مشروطه و سلطنت مشروعه، از میان دیدگاه‌ها و آراء فقهای بزرگ شیعه در عصر قاجار متولد شد. نظریه سلطنت مشروطه با محوریت فقهایی چون محمدحسین نائینی و با الهام گیری از مفاهیم مدرن و نو آئین مشروطیت تولید شد. در مقابل نظریه سلطنت مشروعه با طلایه‌داری علمایی که در رأس آن شیخ فضل‌اله نوری قرار داشت صورت‌بندی شد. در این مقاله از چرایی و چگونگی شکل گیری و تولید این نظریه‌ها پرسش خواهد شد و این که چگونه می‌توان خوانشی معنا دار از فضای معنایی این دو نظریه ارائه داد. چرا و به چه دلیل فقه شیعه در یک عصر و بهره‌مند از منابع استنباط واحد به نتایج و نظرات دوگانه ضد هم می‌رسند؟ جهت نیل به این مقصود با استفاده از چارچوب و الگوی روش شناختی کوئنتین اسکینر - از اصحاب مکتب کمبریج - در صدد فهم و رمز گشایی از معنای نهفته در پس این دو نظریه خواهیم بود. بر اساس هرمنوتیک اسکینر، نظریات، آراء و اندیشه‌های هر متفکر، که از آنها به «معنا» تعبیر می‌کنیم، تحت تأثیر «بسترها و زمینه‌ها» شکل می‌گیرد. فلذا برای فهم هر نظریه ای، بازسازی زمینه‌ها و بسترهای شکل دهنده به آن نظریه ضروری است. در این مقاله، چارچوب روشی اسکینر در فهم نظریه سلطنت مشروطه و سلطنت مشروعه و نزد نمایندگان برجسته آن به آزمون گذاشته خواهد شد. به این منظور زمینه‌های دوگانه زبانی، فکری و عملی، محیطی این دو نظریه، احصاء و تبیین می‌شود.

کلید واژه‌ها

مشروطیت، معنا، زمینه، هرمنوتیک اسکینر، سلطنت مشروطه، سلطنت مشروعه.

ali.amini@iauctb.ac.ir

* عضو هیات علمی و استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

shakeri_ah@yahoo.com

** دانش‌آموخته دکترای علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

مقدمه

ورود فکری و نظری ایران به دروازه‌های تجدد و مدرنیته، با تحولات ذهنی و عینی عصر مشروطیت همراه بود. مراودات و حضور بازرگانان، تجار و روشنفکران ایرانی، در خارج از مرزهای ایران و در مناطق مختلفی چون سرحدات امپراتوری عثمانی، روسیه، قفقاز و به طور خاص اروپا، آشنایی ایرانیان با ارزش‌ها و اصول مدرنیته و دنیای جدید را رقم زد. در عرصه سیاسی و در رابطه با مدل و شکل حکومت، مباحثی نظیر سلطنت مشروطه، تفکیک قوا، تحدید اختیارات پادشاه، قانون و قانون اساسی و... از جمله موضوعات جدید و چالش‌برانگیزی بود که به گفتمان سیاسی ایرانیان وارد شد. مشروطه‌خواهی و نهضت مشروطیت، رنسانس و انقلابی بود که عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، ادبی، دینی و فقهی و ... را در نوردید. بازتاب و تأثیر این نهضت در عرصه‌های گوناگون مشهود و قابل ردیابی است. فقه سیاسی شیعه و موضع فقها و مجتهدان شیعه - که یکی از نیروهای اجتماعی و نظری فعال در مشروطه به شمار می‌رفتند - در مشروطه، یکی از موضوعات مهم و قابل تأمل است.

در نهضت مشروطه‌خواهی، فقه شیعه جدال قدیم و جدید را تجربه کرد. دو دیدگاه و نظریه دولت در فقه سیاسی شیعه در این حرکت به مقابله و رویارویی با هم پرداختند. یکی از این دیدگاه‌ها به سنت قدمایی مرتبط بوده و دیگری محصول تحولات جدید و مدرن بود؛ محصولی که در فقه سیاسی شیعه و در سنت قدمایی، سابق قبلی نداشت. نظریه سلطنت مشروطه، دیدگاهی کهن بود که تبار آن به عصر صفوی و مناسبات میان سلطان صفوی و فقیه شیعه بازمی‌گشت. این نظریه در عصر مشروطه، به توسط تنی چند از فقهای شیعه نظیر شیخ فضل‌الله نوری، محمدحسین بن علی اکبر تبریزی و ابوالحسن نجفی مرندی تقریر و دفاع شد. در مقابل این دیدگاه، نظریه سلطنت مشروطه با تأسی و تحت تأثیر گفتمان مدرن مشروطه‌خواهی و به توسط فقهایی نظیر آخوند خراسانی، محمدحسین نائینی، اسماعیل محلاتی، عبدالرسول کاشانی و.. صورت‌بندی شد. در این مقاله درصدد تبیین و فهم این گزاره خواهیم بود که نظریات سلطنت مشروطه و مشروطه، تحت تأثیر زمینه‌ها و بسترهای ذهنی و عینی و یا نظری و عملی شکل گرفتند. برای فهم این گزاره و تبیین و تفسیر ارتباط میان زمینه و نظریه، از الگو و چارچوب روشی هرمنوتیک اسکینر بهره برده می‌شود. در ادامه گفتار حاضر ضمن توجه به چارچوب‌های روشی جهت تحلیل موضوع بحث، به عناصر و مختصات رویکرد کونتین اسکینر امعان نظر شده و کاربرست آن‌ها را در دو نظریه سلطنت مشروطه و مشروطه بحث می‌نماییم.

گفتار اول: الگوی روش شناختی؛ هرمنوتیک کونتینن اسکینر

در مطالعات روشی در حوزه علوم اجتماعی، با کثرت متدها و روش‌ها روبرو هستیم. دست‌کم سه رویکرد علت‌کاو^۱، معناکاو (تفسیری)^۲ و انتقادی یا بازتابی^۳ را می‌توان به عنوان شاخص‌ترین رویکردها مورد توجه قرار داد. در روش‌های تفسیری چنانکه ویلهم دیلتای نیز تأکید داشت، هر گونه‌گرته‌برداری و تقلید از متدهای مطرح در علوم طبیعی جایز نبوده و می‌بایست به استقلال علوم انسانی از تفاسیر علوم طبیعی و تجربی، قائل شد (Harrington, 2001:80). بر این مبنا و با توجه به این که درصدد فهم نظریه‌های سیاسی در عصر مشروطه هستیم، با گزینش رویکرد تفسیری، می‌توان فهمی از این نظریه‌ها به دست آورد. الگوی کلی و روشی مدنظر، فهم نظریه‌ها و ایده‌ها در زمینه و بستر^۴ است. استدلال عام بر این گزاره استوار است که هر نظریه و ایده‌ای و هر اندیشه و مکتبی در حوزه علوم اجتماعی و به طور خاص در علوم سیاسی، در چارچوب و در درون یک سری زمینه‌ها و بسترها شکل، تغییر و تحول می‌یابد. نظریه‌ها و اندیشه نظریه‌پردازان سیاسی، هر دو فعالانه و درگیرانه در تعامل و تعاطی با همدیگر و در رابطه‌ای سیال، پویا و متقابل شکل می‌گیرند. زمینه‌گرایی^۵ مورد اشاره در گزاره فوق، شامل طیف‌های مختلفی از مطالعات روشی می‌شود. جامعه‌شناسی شناخت یا معرفت^۶ یکی از انواع زمینه‌گرایی است که عمدتاً به زمینه‌های اجتماعی و محیطی موجود در جامعه‌ای که نظریه سیاسی در آن شکل می‌گیرد، توجه می‌نماید. نظریه روش بحران توماس اسپریگنز با بازسازی منطق درونی و محتوای نظریه‌های کلاسیک بزرگانی چون افلاطون، توماس‌هابز، روسو و لاک، بر اساس بحران‌های اجتماعی و سیاسی موجود در جامعه، تصویری عالی از زمینه‌گرایی ارائه می‌کند. اسپریگنز در اثر خود اذعان می‌کند «از آن‌جا که نظریه‌پردازان محصول فرهنگ‌ها و شرایط اجتماعی مختلفند، نظریه سیاسی آن‌ها نمی‌تواند مشابه و کاملاً قرینه باشد» (اسپریگنز، ۱۳۷۷: ۱۹۴).

-
- 1- Causal
 - 2- Interpretive
 - 3- Critical or reflexive
 - 4- Context
 - 5- Contextualism
 - 6- Sociology of knowledge

زمینه‌گرایی در سال‌های اخیر با نام شخصیت‌هایی نظیر مایکل والزر، چارلز تیلور و السدیر مک اینتایر گرده خورده است. ولزر در آثار گوناگون خود (Walzer, 1983) و (Walzer, 1987) ضمن توجه به جامعه، فهم مشترک اعضا هر جامعه را شکل‌دهنده به معنا دانسته و فهم هر جامعه را منوط به فهم بین‌الذهانی مفاهیم شکل گرفته در همان جامعه می‌داند. ولزر با نگاهی زمینه‌گرایانه و جامعه‌گرا به اخلاق، وظیفه اصلی فیلسوفان اخلاق را «ارائه تفسیر و تبیین بهتری از قواعد اخلاقی موجود در جامعه [می‌داند]». بدین ترتیب، به نظر ولزر موضوع اساسی اخلاق این نیست که انجام چه کارهایی درست است، بلکه مسأله اصلی این است که انجام چه کارهایی برای «ما» درست است» (حسینی بهشتی، ۱۳۸۳: ۳۰). زمینه‌گرایی اسپریگنز و ولزر از جهت توجه به زمینه‌های اجتماعی و محیطی اشتراک نظر دارند، این در حالی است که در دیدگاه اسکینر، علاوه بر زمینه‌های محیطی و اجتماعی به زمینه‌های زبانی و ایدئولوژیک نیز عنایت شده و نگاهی جامع از بسترها و بافتی که نظریه در آن شکل می‌گیرد ارائه شده است.

کوئنتین اسکینر یکی از مدافعان جدی فهم نظریه‌ها و اندیشه سیاسی متفکران در قالب روش هرمنوتیک قصدگراست. دیدگاه‌های وی منتسب به جریان کمبریج می‌باشد. به بیان واضح‌تر «متفکران دانشگاه کمبریج در طرح‌ریزی یافت «ایده‌ها در متن» در مطالعات اندیشه سیاسی پیشگام شدند» (Skinner, 2001: 2). اسکینر در روش و شیوه فهم متون تاریخی و نیز شناخت اندیشه سیاسی متفکران مدرن نظیر ماکیاولی، هابز و لاک، ضمن اشاره و توجه به ایدئولوژی‌ها و نظریات سیاسی موجود، به مواجهه این ایده‌ها و متفکران سیاسی به عنوان یکی از کلیدهای فهم اندیشه سیاسی نظریه‌پردازان سیاسی تأکید می‌نماید (Skinner, 1985: 201-205). اسکینر، نگاهی روش‌شناختی (نه فلسفی) به هرمنوتیک داشته و معتقد است می‌توان با بازسازی و توجه به قصد و نیت مؤلف، به معنای نهفته در متن و پس اندیشه، پی برد. بنابراین اسکینر پیوند دهنده روش هرمنوتیک (با تأکید بر عوامل زبانی و معرفتی) با روش جامعه‌شناسی معرفت است. وی، فهم معنای موجود نزد مؤلف را با احاله و توجه به شرایط اجتماعی و گفتارها و قواعد اجتماعی و محیطی مؤلف مرتبط می‌داند.

برای اسکینر قصد و نیت مؤلف از بیان ایده و دیدگاهی خاص، اهمیت دارد. به نظر وی زمانی که ماکیاول توصیه و بیان خاصی نسبت به شهریار می‌کند، باید توجه داشته باشیم که ماکیاول با بیان خود، قصد و انگیزه‌ای داشته و مهم فهم همین قصد و نیت اندیشمند است. به بیان دیگر ماکیاول و یا هر نظریه‌پرداز سیاسی با بیان ایده و نظری، قصد تأثیر و بیان مطلبی را

داشته است (Skinner, 1988: 19). در روش هرمنوتیک اسکینر برای فهم هر نظریه سیاسی و یا اندیشه هر متفکر، توجه به دو زمینه مهم و قرار دادن متفکر در درون آن‌ها حیاتی است. زمینه‌های عملی^۱ و ایدئولوژیک^۲ دو زمینه‌ای است که در درون آن‌ها و با توجه به آن‌ها می‌توان معنای متن و اندیشه‌ای را به دست آورد. مقصود از زمینه‌های عملی؛ زمینه و زمانه، شرایط اجتماعی و بحران‌های موجود در جامعه نظریه‌پرداز است. زمینه‌های ایدئولوژیک نیز دربرگیرنده مجموعه‌ای از متن‌های نوشته شده یا استفاده شده در دوره مشابه و موجود است.

الف) زمینه‌های عملی

به باور اسکینر جهت فهم نظریه و یا ایده‌ای سیاسی - که می‌تواند اندیشه سیاسی یک متفکر باشد - به ضرورت باید شرایط محیطی، اجتماعی و زمینه‌های عینی‌های که متفکر در درون آن شکل یافته، مورد توجه قرار گیرد. به زعم وی، اندیشه‌ها و نظریه‌ها، در پاسخ به ابتلائات، سؤالات و مشکلات زمانه و عصر متفکر شکل می‌گیرد. از این جهت شناخت چنین زمینه‌های عینی و عملی در فهم و تفسیر آراء و نظریات بسیار مهم و ضروری است. به عبارت دیگر «اسکینر تلاش می‌کند که تحلیل‌های زمینه‌گرایانه خود را با دلالت بی‌پرده تبیین کند، بدین جهت وی معتقد است ایده‌هایی که در آثار فیلسوفان دیده می‌شود، وابسته به دلایلی است که در شرایط گذشته و سابق وجود داشته است. به عنوان مثال آشفتگی‌ها و هرج و مرج‌های ناشی از جنگ‌های داخلی انگلستان، می‌تواند یکی از دلایل و عواملی باشد که هابز را به نوشتن لویاتان واداشت یا فساد و قوانین اشراف محور، ممکن است دلیلی برای نوشتن آثار روسو، نظیر «خاستگاه نابرابری» یا «امیل» باشد (King, 1983: 295). اسکینر در مورد ماکیاولی و فهم اندیشه و نظریه سیاسی وی، به زمینه‌ها و بسترهای عملی و عینی مختلفی نظیر «فروپاشی جمهوری فلورانس در سال ۱۵۱۲ چنددستگی‌های موجود در برابر با دولت - شهرهای ایتالیای شمالی و ... توجه نشان می‌دهد. اسکینر علاوه بر این زمینه‌ها، به شرایط اجتماعی و محیطی‌ای که ماکیاولی در مأموریت‌های سیاسی خود به عنوان دیپلمات در دربار فرانسه و گفتگوهای

1- Practical context

2- Ideological context

جدی وی با برخی اشخاص ذی نفوذ داشته و تأثیر آن در شکل‌گیری دیدگاه‌های سیاسی ماکیاول، توجه نشان می‌دهد (اسکینر، ۱۳۸۰: ۳۹).

ب) زمینه‌های ایدئولوژیک و زبانی

در دیدگاه اصحاب هرمنوتیک و به تبع آن اسکینر، مباحث زبانی و معنایی اهمیت فراوانی دارند. تفاوت عمده دیدگاه اسکینر با جامعه‌شناسی معرفت، توجه ایشان به سنت‌های فکری، زبانی و به تعبیر خودش زمینه‌های ایدئولوژیک است. در دیدگاه اسکینر نظریه‌پردازان، نظریه‌ها و ایده‌های خود را با قصد و نیت عالمانه و عامدانه اظهار می‌دارند. به بیان دیگر، نویسندگان می‌خواهد چیزی را در عمل نگارش یا بیان لغات، جملات و استدلال‌ها انجام دهد. اسکینر پیرو آستین^۱، این معنا را «نیروی قصد شده»^۲ در عمل زبانی می‌داند. بنابراین برای فهمیدن کامل «معنای تاریخی»^۳ یک متن یا بخشی از آن، یا نوشته‌ای مربوط به دوران گذشته، به‌عنوان عملی زبانی که توسط نویسندگان و مؤلف انجام شده است، فقط فهم معنای بیانی کافی نیست؛ بلکه مرکز ثقل و توجهی که نویسندگان در استدلال و بیان خود ما را به آن واداشته، بسیار مهم و اساسی است. نظریه‌ها و اندیشه سیاسی نظریه‌پردازان در تعامل و ارتباط با یکسری قواعد، هنجارها، عادات، گفتارها و عرف^۴ زمانه شکل می‌گیرد. مجموعه این قواعد در قالب آثار، نوشته‌ها و ایدئولوژی‌های هر عصر، سنتی زبانی و فکری را شکل می‌دهند. به عنوان مثال از نظر اسکینر، برای فهم دقیق دیدگاه ماکیاول، توجه و بازسازی ایدئولوژی‌ها و مکاتب رایج در عصر ماکیاول نظیر اسکولاستیزم، اومانیزم، لوتریزم و کالوینیزم ضرورت دارد. این مکاتب فکری و ایدئولوژیک بر کل آثار و افکار آن دوره سایه گسترانده بود. به بیان دیگر «تئوری نظریه‌پردازان سیاسی در قبال مباحث ایدئولوژیکی هر عصر، مسؤول هستند و نسبت به آن مسائل واکنش نشان می‌دهند» (Skinner, 1988:10). زمینه‌های زبانی و ایدئولوژیکی که اسکینر به مدد آن‌ها فهم و شکل‌گیری نظریه‌های سیاسی را میسر می‌داند، علاوه بر آثار، متون و نوشته‌های کلی و جزئی هر دوره، شامل «جهان ذهنی یا روانی» نویسندگان و نظریه‌پردازان نیز می‌شود. جهان ذهنی،

1- Austin

2- Illocutionary force

3- Historical meaning

4- Convention

جهان اعتقادات تجربی (تجربه شده) خالق اثر را در برمی‌گیرد. اسکینر، بحث سرمایه در دیدگاه و جهان ذهنی جان لاک را به عنوان شاهد و نمونه بیان می‌دارد (Ibid, 77-78).

گفتار دوم: زمینه‌های شکل‌دهنده به نظریات سلطنت مشروطه و مشروعه

فقه‌های سیاسی عصر مشروطه، در مواجهه با دنیای جدید و مفاهیم مدرن به تولید و بازتولید دو نظریه سلطنت مشروطه و سلطنت مشروعه همت گماشتند. سلطنت مشروعه در مخالفت و تقابل با مشروطه بر دو رکن و پایه سلطان و فقیه استوار بود. در این نظریه، امور آدمیان و مسلمین به دو بخش عرفی و شرعی تقسیم می‌شود. در عصر پیامبر، شئون دینی و دنیوی در یک محل که همان ید پیامبر باشد جمع بود؛ حال آن‌که «بعد از عروض عوارض و حدوث سوانح، مرکز این دو امر، یعنی تحمل احکام دینی و اعمال شوکت و قدرت و دعا امنیت در دو محل واقع شد و فی‌الحقیقه این دو هر یک مکمل و متمم دیگری هستند ... اگر بخواهند بسط عدالت شود، باید تقویت به این دو فرقه شود. یعنی: حمله احکام و اولی الشوکه من اهل الاسلام» (زرگری نژاد، ۱۳۷۴: ۱۶۴-۱۶۳). حوزه شرعی در این نظریه بر عهده فقیه بوده و ولایت فقهی از جانب وی اعمال می‌شود. در تقسیم کار میان سلطان و فقیه، فقیه مسائل شرعی، فتوا و احکام دینی و نیز در امور مربوط به قضاوت و داوری به اعمال ولایت می‌پردازد. تنها مفسر و مجری شریعت در این نظریه، شخص فقیه می‌باشد. در نظریه سلطنت مشروعه، متکفل امور حسبیه نیز فقیه می‌باشد. در مقابل، سلطان و شاه، در حوزه عرفی، حکومت‌داری، حفظ حدود و ثغور مسلمین دارای حاکمیت و ولایت سیاسی و عرفی می‌باشد. عدم مداخله در امور فیما بین میان سلطان و فقیه پذیرفته شده است.

در نظریه سلطنت مشروطه تثلیث سلطان، فقیه و مردم، ارکان و عناصر اصلی این نظریه را شکل می‌دهند. همزمان با طرح مفهوم حاکمیت ملت و مردم در مشروطه، نظریه سلطنت مشروطه در فقه سیاسی نیز به عنصر مردم در حکومت و حاکمیت توجه نشان داد. در این نظریه ولایت شرعی و دینی و اجرای و تفسیر حدود و مسائل قضایی بر عهده فقها بود. در حوزه عرفی و امور عمومی، شاه و مردم (نمایندگان و وکلا مردم) به اعمال ولایت می‌پرداختند. در این نظریه حقوق شهروندی افراد و اتباع به دلیل پرداختن مالیات به حکومت پذیرفته شده بود و در عین حال حکومت همچون امانت نزد حاکمان تلقی می‌شد. مفاهیم و نهادهای مدرنی

چون مجلس و پارلمان، قانون و قانون اساسی، تفکیک قوا، عدالت‌خانه، آزادی (حریت) و عدالت (مساوات) افراد در جامعه، در نظریه سلطنت مشروطه قابل قبول بوده و توجیه می‌شود. در نظریه سلطنت مشروطه، امور آدمیان و تکالیف و احکام شرعی مکلفین به دو حوزه شرعی و عرفی تقسیم می‌شود. در حوزه عرفی که امور عمومی و سیاسی را در برمی‌گیرد با عقل و تدبیر انسانی می‌توان مدیریت کرد. محمدحسین نائینی با تأکید گذاشتن بر حوزه عمومی تحت عنوان «مالانص فیه»؛ معتقد است در این حوزه، نص و دستور صریحی از ناحیه شریعت و دین نرسیده فلذا آگاهان و علماء اهل فن و متخصص با نظریات کارشناسی و صائب خود، تدبیر و عمل می‌نمایند. به بیان نائینی «مجموعه وظایف راجعه به نظم و حفظ مملکت و سیاست امور امت، خارج از دو قسم نخواهد بود چه بالضرورة یا منصوصاتی است که وظیفه عملیه آن بخصوص معین و حکمش در شریعت مطهره مضبوط است و یا غیرمنصوص است که وظیفه عملیه آن به واسطه عدم اندراج در تحت ضابطه خاص و میزان مخصوص غیر معین و به نظر و ترجیح ولی نوعی موکول است ... قسم ثانی هم تابع مصالح و مقتضیات اعصار و امصار و به اختلاف آن قابل تغییر و اختلاف است» (نائینی، ۱۳۸۷: ۱۳۰).

با تبیین مختصر عناصر اصلی و کلیدی نظریه سلطنت مشروطه و مشروع، زمینه‌های نظری و عملی شکل‌دهنده به نظریات یادشده، بر مبنای الگوی روش‌شناختی کوئنتین اسکینر مورد توجه قرار می‌گیرد.

الف) بسترهای دوگانه نظریه سلطنت مشروطه

۱- بسترهای عملی

نظریه سلطنت مشروطه و نظریه‌پردازان این ایده به طور مشخص از سه بستر و زمینه عینی و عملی تأثیر پذیرفتند. عصر ناصری و اصلاحات مدرن و متجددانه در این دوره، گفتمان روشنفکران و تجددگرایان ایرانی و در نهایت، فعالیت جراید، انجمن‌ها، زنان و مدارس جدید، بسترها و به تعبیر مناسب‌تر بحران‌های عینی و اجتماعی‌ای بودند که نظریه سلطنت مشروطه در تقابل و مخالفت با آنان شکل گرفت. در ادامه، به اختصار به زمینه‌های یاد شده اشاره می‌شود.

۱-۱- عصر ناصری و اصلاحات مدرن (بحران محیطی - اجتماعی): اولین فکر اصلاحات در عصر قاجار در پی آشنایی ایرانیان با تجدد و مدرنیته در دارالسلطنه تبریز رخ داد. چرا که «شکست ایران موجب شد که عباس میرزا و کارگزاران حکومتی دارالسلطنه تبریز به فکر اصلاحات بیفتند که از پیامدهای مهم آن بازسازی ارتش با شیوه‌های نو راهبرد نظامی و جنگاوری بود» (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۱۳۲-۱۳۱). اصلاحات ناصری در عصر مسئولیت و صدارت نخبگانی چون قائم‌مقام فراهانی، امیرکبیر و میرزا حسین‌خان مشیرالدوله (سپهسالار) صورت گرفت. اصلاحات این دوره در مصادیقی چون اصلاحات اداری، دیوانی، تأسیس دارالفنون، ورود راه‌آهن و ابزار و آلات مردن به ایران، تضعیف و محدودیت آفرینی به اختیارات علما و روحانیون، اصلاحات حقوقی و قضائی با تفکیک بخشی مابین «محضر شرع» و «دیوانخانه» که به مسائل عرفی رسیدگی کرده و در برخی مواقع اختیارات محاکم شرعی را تحدید می‌نمود. (آدمیت، ۱۳۸۵ الف: ۳۱۱)، نمود داشت. بحران محیطی و اجتماعی ناشی از اصلاحات مدرن، نظریه‌پردازان سلطنت مشروعه را به واکنش و مخالفت تهییج نمود. علی‌اکبر تبریزی از این اصلاحات و زمینه‌های عملی تعبیر به «غوغای عالم‌گیر و فتنه عظمی» می‌نماید (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۴: ۱۱۳). نتیجه اصلاحات مدرن در عصر مشروطه، ایجاد تزلزل در سنت قدماتی و طرح سنت مدرن و جدید بود. در چنین شرایط، مدافعان سنت قدمایی که علما و فقها مشروعه‌خواه در رأس آن‌ها بودند، مجبور شدند بخشی از موقعیت و مرجعیت خود را با مهمان‌های ناخوانده و ناخواسته شریک نمایند. اصلاحات مدرن صورت گرفته بر برخی از علما و فقهای مشروعه‌خواه و طرفدار نظریه سلطنت مشروعه، چنان گران آمد که اشخاصی نظیر ملاعلی کنی در لایحه‌ای با عنوان «کلمه قبیح آزادی» اصلاحات سپهسالار را رد کرده و حتی وی را واجب‌القتل دانستند (آدمیت، ۱۳۸۵ ب: ۱۶۰-۱۵۹، ۲۶۷).

۱-۲- **گفتمان روشنفکری متجددان ایرانی:** ظهور روشنفکران و طرح مباحث روشنفکری در عصر قاجار و خصوصاً در عصر مشروطه یکی دیگر از بسترهای عینی و عملی در شکل‌گیری نظریه سلطنت مشروعه می‌باشد. با تحلیل محتوای دیدگاه‌های فقها و علما طرفدار این نظریه، به وضوح موارد متعددی را می‌توان رصد نمود که بر اساس آن، علما به دیدگاه‌های و آراء روشنفکران توجه نشان داده و استدلال خود را در ضدیت با گفتمان و عملکرد روشنفکری، شکل می‌دادند. روشنفکرانی نظیر میرزا ملکم‌خان، فتحعلی آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی،

سید حسن تقی‌زاده و ... با طرح مباحث انتقادی و خلاف عادت خود، عناصر نظریه سلطنت مشروعه را متزلزل نمودند. نقد مذهب و باورهای دینی، ناسیونالیسم و ایرانی‌گری، حکومت قانون و قانون‌خواهی، لزوم تحصیلات جدید و مدرن برای همه از جمله زنان، خردگرایی و عقل‌گرایی، دفاع از آزادی و حقوق شهروندی و ... از جمله مواردی بود که گفتمان روشنفکری با تأکیدگذاری بر آن‌ها، مدافعان سنت قدمایی و مشروعه‌خواه را به واکنش وامی‌داشت. شیخ فضل‌الله از ایده‌پردازان مشروعه، در اعلامیه‌ای به نفوذ مخرب «آن ملکم ارمنی به دین» (آبراهامیان، ۱۳۷۸: ۱۲۰) اشاره داشته و به تأثیرات روشنفکران چنین اشاره می‌کند «قوانین مجهوله که از روح آزادی اروپا برداشته شده بود باعث شد که مردم فاسدالعقیده بی‌ملاحظه بر ضعف اسلام آنچه خواستند گفتند و نوشتند (ترکمان، ۱۳۶۲: ۱۶۲). شیخ فضل‌الله در بیان دیگر، ضمن اشاره به مباحث روشنفکران اذعان می‌نماید که منشأ و منبع طرح چنین «فتنه فرق جدید و طبیعی مشرب‌ها [هستند] که از همسایه‌ها اکتساب نمودند و به صورت بسیار خوشی اظهار داشته‌اند» (همان: ۱۰۳). بازتاب و انعکاس دیدگاه مشروعه‌خواهان را علیه گفتمان و ایده روشنفکران در بخشی از رساله تذکره الغافل می‌توان احصاء نمود. فراز مورد اشاره، علیه دیدگاه روشنفکرانی چون آخوندزاده و آقاخان کرمانی طرح شده که از ایران باستان، آئین زرتشت و شاهان ایران دفاع می‌نمودند. در «تذکره» آمده: «اگر این اساس به جهت تقویت اسلام بود، چرا تمان اشخاص لابلالی در دین و فرقه ضاله از بهایی و ازلی و کلیه اشخاص فاسدالعقیده و دنیاخواهان جاهل .. تقویت آن می‌نمودند ... چرا این همه در جرایدشان تکریمات از فرقه زرتشتی و سلاطین کیان می‌کردند ...» (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۴: ۱۸۱-۱۸۰).

۳-۱- فعالیت جراید، انجمن‌ها، زنان و مدارس جدید: با ورود مدرنیته و اندیشه‌های مدرن، شاهد فعالیت نمادها و نهادهای مدرن نیز بودیم. جراید و روزنامه‌ها، انجمن‌ها و احزاب و شکل‌گیری مدارس جدید (در کنار مدارس دینی و شرعی) از جمله مواردی بود که ایده‌پردازان نظریه سلطنت مشروعه را به واکنش فراخواند. واکنش مشروعه‌خواهان، طبیعی بود چرا که این پدیده‌های نوظهور شاکله و محتوای نظریه سلطنت مشروعه و خصوصاً رکن شرعی و مرجعیت علما و فقها را متزلزل می‌کرد. روزنامه‌های مختلفی چون «جبل‌المتین»، «روح‌القدس»، «مساوات»، «صور اسرافیل» و ... موضوعاتی چون جدایی دین از سیاست، محدودیت دخالت علما و روحانیون در حوزه عرفی، حقوق اقلیت‌های مذهبی غیرمسلمان، اعطا حقوق اجتماعی به زنان، ایجاد مدارس جدید و تحصیل دختران در مدارس جدید را در دستور کار خود قرار دارند

(زیباکلام، ۱۳۷۹: ۴۶۲-۴۶۱). روزنامه نسیم شمال، به تقلید از ملانصرالدین، با سبک و سیاق طنز و هجو، شیخ فضل‌الله نوری را سوژه خود قرار داده بود (آفاری، ۱۳۷۹: ۱۶۱-۱۶۰). تأسیس مدارس جدید، آموزش و تعلیم علوم این دنیایی و تولد طبقه باسوادان غیرروحانی، محدوده قلمرو و نفوذ علما و فقهای مشروعه‌خواه را محدود و تنگ می‌کرد. در این شرایط، طبیعی است که نظریه‌پرداز سلطنت مشروعه- شیخ نوری- با استیصال اعلام می‌دارد «آیا این مدارس جدید خلاف شرع نیست؟ و آیا ورود به این مدارس مصادف با اضمحلال دین اسلام نیست؟ و ... (کرمانی، ۱۳۵۷: ۳۲۲). احمد کسروی اشاره دارد که چگونه نظریه‌پردازان سلطنت مشروعه، با انتشار لوایحی به طعن روزنامه‌ها، جراید و انجمن‌ها پرداخته و افتتاح مدارس تربیت نسوان و دبستان دوشیزگان را مورد تاخت و تاز قرار می‌دادند (کسروی، ۲۵۳۵: ۴۱۹-۴۱۶). موارد یاد شده چون بسترها و زمینه‌های بحرانی و بازتاب چنین زمینه‌ها و بسترهای عینی مشهود و ملموس است. با این حال، نمی‌توان از نقش زمینه‌های ایدئولوژیک و زبانی در فهم نظریه سلطنت مشروعه صرف‌نظر نمود.

۲- بسترهای ایدئولوژیک و زبانی

در روش‌شناسی اسکینر با توجه به مباحث زبانی و هرمنوتیکی، بسترهای ایدئولوژیک و زبانی در فهم و شکل‌گیری نظریات سیاسی اهمیت فراوانی دارد. بر این اساس، نظریه سلطنت مشروعه بر پایه سه زمینه زبانی و ایدئولوژیک استوار گشته است. سنت تاریخی و پیوند ایرانی- شیعی توأمانی دین و سیاست، سنت و روش‌شناسی اخباری‌گری در فقه شیعه و تداوم سنت سلطنت شیعی در عصر صفوی از جمله بسترهای مهم و حیاتی فرا روی ایده‌پردازان سلطنت مشروعه می‌باشد.

۲-۱- **سنت تاریخی؛ پیوند ایرانی- شیعی (توأمانی دین و سیاست):** با مراجعه به اندیشه و سنت شاهی آرمانی و ایرانشهری در تمدن ایران قبل از اسلام، می‌توان نمونه‌ای یگانه و منحصر به فرد از مناسبات میان حاکمیت و قدرت سیاسی از یک سو و حاکمیت دینی و الهی از سوی دیگر، مشاهده نمود. شاهنشاه «طبق نظریه ایرانی پادشاهی و حکمت دارای فره ایزدی است ... چون شاه دارنده فره ایزدی و برگزیده خداست فقط در برابر خدا مسئول است، نه در برابر خلق» (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۸۹). در صورت‌بندی مناسبات سیاسی و اجتماعی در ایران

باستان، ثنویت پادشاه و روحانی (موبد) را به صورت رسمی می‌توان رصد نمود. بر اساس نظریه آرمان‌شهری و شاهی آرمانی، خویشکاری و وظایف مجزا و مستقل شاه و روحانی به صورت رسمی پذیرفته شده بود. چنین اندیشه‌ای بعد از ورود اسلام به ایران در مقاطع مختلف و خصوصاً در عصر صفوی و با قدرت‌گیری شیعه و علما و فقهای تشیع مجدداً با شکل و شمایلی اسلام - شیعی - ایرانی بازتولید و تحول معنایی یافت. می‌توان ادعا نمود سنت ایرانی و اندیشه شاهی - ایران‌شهری با سنت اسلام شیعی در امتزاجی با یکدیگر، منتج به شکل‌گیری نظریه سلطنت مشروع شد. در عصر قاجار، مجدداً بازگشت و بازسازی مناسبات قدرت سیاسی و قدرت دینی در قالب نظریه سلطنت مشروع ظهور یافت.

۲-۲- نظریه سلطنت شیعی (عصر صفوی): عصر صفوی و شکل‌گیری دولت شیعی در ایران، از جمله وقایع مهم سیاسی و اندیشه‌ای در ایران بعد از ورود اسلام محسوب می‌شود. دولت و شاهان صوفی برای دوام، استقرار و مشروعیت‌بخشی به قدرت سیاسی خود، به ایدئولوژی تشیع و به دنبال آن فقها و علمای شیعی نیازی مبرم داشتند. بدین منظور گسیل فقهای شیعه از منطقه جبل عامل (جنوب لبنان) را به ایران شاهد بودیم. مناسبات و روابط میان سلطان صفوی و فقیه شیعی در عصر صفوی، با تولید نظریه سلطنت شیعی معنا یافت. نظریه سلطنت شیعی در عصر صفوی، همچون سنتی زبانی و ایدئولوژیک، بستر و زمینه‌ای مناسب برای بازتولید و قوام نظریه سلطنت مشروع در عصر قاجار گشود. نظریه سلطنت شیعی، در عصر صفوی به توسط فقهای بزرگ شیعه نظیر محمدباقر مجلسی، محقق سبزواری و سید جعفر کشفی صورت‌بندی فقهی - سیاسی شد. نظریه سلطنت شیعی، با دو رکن و محور اساسی بازشناخته می‌شود.

رکن اول، رکن سیاسی و سلطنت و رکن دیگر، رکن مذهبی و دینی می‌باشد. بر اساس این نظریه، حوزه عرفی و عمومی در ید سلطان بوده و در این محدوده کسی حق ورود و ولایت ندارد. از طرف دیگر، حوزه شرعی و دینی در محدوده اعمال ولایت فقیه بوده و احدی در این حوزه حق دخالت ندارد. سید جعفر کشفی ارتباط پادشاه و فقیه را مصداق حدیث (توأمانی دین و دنیا) دانسته و مثال سلطان و عالم (فقیه) را چون «سیف و قلم» می‌داند. کارکردهای سیف با کارویژه‌های قلم متفاوت بوده و ولایت در هر دو حوزه به صورت مجزا بر عهده سلطان و فقیه گذاشته شده است (کشفی، ۱۳۷۵: ۱۱۸). به نظر نگارنده، در میان بسترها و زمینه‌های زبانی و ایدئولوژیک یاد شده، نظریه سلطنت شیعی در عصر صفوی، بیشترین تأثیر و نقش را در

شکل‌گیری نظریه سلطنت مشروعه داشت. در نظریه سلطنت مشروعه نیز اشاره شد که دو رکن عرفی و شرعی پذیرفته شده و سلطان و فقیه عهده‌دار هر کدام از این رکن‌ها می‌باشند. شیخ فضل‌الله نوری تأکید می‌نماید که این دو رکن در حضرت ختمی مرتبت جمع بود. بعد از اتمام نبوت و در عصر غیبت امام معصوم پادشاه و سلطان اولی‌الشوکه در حوزه عرفی و علما و فقهای شیعه در امور شرعی عهده‌دار مناصب دوگانه پیامبر و امامند و وجوب اطاعت از والیان این دو رکن بر همه واجب است (ترکمان، ۱۳۶۲: ۳۸۳-۳۸۲). دقیقاً دیدگاه نظریه‌پردازان سلطنت مشروعه در تداوم و بر بستر زبانی و ایدئولوژیک نظریه سلطنت شیعی در عصر صفوی استوار بود.

۳-۲- اخباری‌گری (مبنای روشی و معرفتی): فقه شیعه به لحاظ تاریخی و سنتی دو کانون مهم و تأثیرگذار داشته است. حوزه عراق با محوریت نجف و حوزه ایران با مرکزیت قم، طی سال‌ها و قرن‌ها گفتمان‌های فقهی شیعه را رونق بخشیدند. به لحاظ تبارشناسی حوزه قم، می‌توان نقل‌گرایی و حدیث‌گرایی را که توسط بزرگانی چون کلینی و شیخ صدوق پایه‌گذاری شد، شاخصه اصلی این حوزه دانست. در مقابل خبرگرایی و گرایش‌های روایی قم، حوزه عراق (بغداد و نجف) کانون عقل‌گرایی و متکلمان بزرگی چون شیخ مفید و سید مرتضی بوده است. روش‌شناسی فقه و فقه سیاسی شیعه بر اساس تبار دوگانه‌ای که ذکر شد، در دو مکتب و متد اصولی‌گری و اخباری‌گری در سده‌ها و سال‌های بعد از قرن‌های میانه، بازتولید شد. طرفداران نظریه سلطنت مشروعه به لحاظ فکری، فقهی و ایدئولوژیک به سنت اخباری‌گری فقه شیعه گرایش و تعلق داشتند. مرتضی مطهری با اذعان به این نکته، قرابت دیدگاه و مباحث نظری و فکری اخباریون شیعه و مخالفان مشروطه (مدافعان مشروعه) را مورد توجه و تأکید قرار می‌دهد (مطهری، ۱۳۸۱: ۱۱۹-۱۱۳). از جمله شاخصه‌های تفکر اخباری به رد و نفی حجیت ظن، قداست احادیث و روایات، کم‌توجهی به عقل و استدلال‌های عقلانی، تلقی حداکثری از دین و محدود نمودن حوزه اباحه و خارج از نفوذ شرع و ... می‌توان اشاره داشت. در نحوه استدلال نظریه‌پردازان سلطنت مشروعه به شاخصه‌های اشاره شده، می‌توان استناد جست. محمدحسین تبریزی، با تلقی حداکثری از دین و قرآن در برخورد با نهادهای مدرن و جدید نظیر مجلس، پارلمان و یا قانون، بازگشت به سنت، روایات و قرآن را کافی می‌داند و نهادهای نو خلاف نص یا شرع تشخیص می‌دهد. به اعتقاد ایشان «قرآن که قانون کلیه الهیه و مشتمل

بر احکام متعلقه بر امور دنیوییه و اخروییه است به مفاد: لارطب و لایابس الای کتاب مبین ... تا روز قیامت آنچه صلاح دنیا و آخرت بندگان است ... بیان فرموده و آنچه محتاج به شرح و تفصیل و تفسیر او بوده، او را موکول به آل و اهل بیت خود که معصوم از خطا و زلل می‌باشند ... نموده» (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۴: ۱۲۵). فضل‌الله نوری نیز در فرازی گرایش‌های اخباری خود را آشکار ساخته و اظهار می‌دارد: «آخر ای ملحد غلط گو مگر آن علما که این کتاب‌ها را در عهد صفویه نوشتند، آیا یک خبری بی سند نوشتند... همین غلط‌ها را کردید خانه شما را خدا خراب کرد» (همان، ۱۸۷).

به مانند نظریه سلطنت مشروعه، نظریه سلطنت مشروطه نیز از یک سری بسترها و زمینه‌های عملی و نظری تأثیر پذیرفت. برخلاف نظریه مشروعه، نظریه سلطنت مشروعه، ایده‌ای نو و اجتهادی بود که در گفتمان و تاریخ فقه سیاسی شیعه، سابقه نداشت. این ایده تلاش فقها و علمای نواندیشی بود که با سعی خود به دنبال ارائه قرائت و خوانشی مدرن و جدید از سنت فقهی بودند. در ادامه بسترها و زمینه‌های شکل‌دهنده به این نظریه با توجه به مدل و الگوی روش‌شناختی اسکینر مورد توجه قرار می‌گیرد.

ب) بسترهای دوگانه نظریه سلطنت مشروطه

۱- بسترهای عملی

۱-۱- **گفتمان نواندیشی در جهان اسلام و عرب:** اشاره شد که نظریه سلطنت مشروطه و مشروطه‌خواهی در ایران، صرفاً خروشیده و برگرفته از تحولات درونی در ایران نبود. عمده نظریه پردازان سلطنت مشروطه، فقهای برجسته شیعه در حوزه عراق و مشخصاً در نجف بودند. بر این اساس تحولات فکری- نظری در امپراتوری عثمانی و به طور خاص در بلادی چون عراق، شام، سوریه و مصر و ... به طور مستقیم بر آراء فقهای مشروطه‌خواه شیعه نسبت به علما و فقهای مشروعه‌خواه در ایران تأثیر شایان ذکری گذاشت. با فتح مصر توسط ناپلئون جهان اسلام و عرب با تزلزل و انحطاط خویش مواجه شد و بر این اساس بخشی از متفکران جهان اسلام که از آنان به نواندیشان و یا اصلاح‌گرایان مسلمان نیز یاد می‌شود، درصدد احیا و بازسازی تمدن و تفکر اسلامی برآمدند. حمید عنایت سه جریان «پیروی از تمدن غرب، تجددخواهی دینی و میهن‌پرستی» (عنایت، ۱۳۷۶: ۲۰) را سه خط فکری در جهان اسلام و عرب در دو سده اخیر معرفی می‌کند. جریان تجددخواهی دینی و نواندیشی دینی به طور

آشکاری از آراء شخصیت‌هایی نظیر سید جمال‌الدین اسدآبادی، طهطاوی، کواکبی و ... نشأت می‌گرفت. نظریه‌پردازان سلطنت مشروطه شیعی که خود از نواندیشان دینی محسوب می‌شوند، متأثر از فضای فکری و زبانی نواندیشان مسلمان بودند. از جمله قدر مشترک‌ها و تشابهات گفتمان نواندیش دینی و نظریه سلطنت مشروطه به استبداد ستیزی و مقابله با استبداد داخلی حاکمان فاسد مسلمان، عقل‌گرایی و تلاش برای ارائه قرائت و معرفت عقلی دین، تلاش برای برپایی حکومت مشروطه، عادلانه و مقیده، حاکمیت مردم و پاسخگویی حاکمان و ... می‌توان اشاره کرد. در تأثیرپذیری نظریه‌پردازان سلطنت مشروطه از گفتمان نواندیشی در جهان اسلام به شباهت‌های فراوان و آشکار کتاب «طبایع الاستبداد» کواکبی و «تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله» نائینی می‌توان عنایت نمود. کواکبی درد بزرگ جهان اسلام را استبداد دانسته و با مفاهیم و اصطلاحاتی نظیر «استعداد، اعتساف، تسلط و تحکم» (کواکبی، ۱۳۷۸: ۸۳) مرتبط می‌داند. نائینی نیز در کتاب ذکر شده که چون متن مقدس مشروطه‌خواهان دینی و نظریه‌پردازان سلطنت مشروطه بود در ذکر اوصاف سلطنت استبدادی اشاره می‌کند که «این قسم از سلطنت را چون دلخواهانه ... و بر طبق اراده و میل شخصی سلطان است لهذا تملیکیه و استبدادیه گویند و استبدادیه و اعتسافییه و تسلطیه و تحکمییه هم خوانند» (نائینی، ۱۳۷۸: ۳۲). نائینی بحث استبداد دینی و خطر مضاعف آن را نیز از کواکبی اخذ می‌کند.

۲-۱- مشروطه‌خواهی در اروپا و بلاد اسلامی (عثمانی): نظریه سلطنت مشروطه شیعی در مواجهه با تحولات سیاسی و اجتماعی اروپا و امپراتوری عثمانی بود. مفهوم مشروطه و حرکت مشروطه‌خواهی به لحاظ جغرافیایی ریشه در تحولات اروپا داشت. این تحولات برای نخستین بار در جهان اسلام به واسطه امپراتوری عثمانی مطرح شد. مخالفان مشروطه در بیانیه‌های خود به این نکته اذعان داشته‌اند که فکر مشروطه‌خواهی ریشه در تحولات غربی داشت. در اعلامیه متحصنین در حرم عبدالعظیم حسنی آمده که «سال گذشته از سمت فرنگستان سخنی به مملکت ما سرایت کرد و آن سخن این بود که هر دولتی که پادشاه و وزرا و احکامش به دلخواه خود با رعیت رفتار می‌کنند آن دولت سرچشمه ظلم و تصدی و تطاول است...» (ترکمان، ۱۳۶۲: ۱۶۱-۱۶۰). نائینی در آثار خود به تحولات مشروطه‌خواهی و مدرنیته اشاره می‌نماید. به زعم وی اروپائیان قبل از جنگ‌های صلیبی از علوم و شعب مختلف حکمت بی‌بهره و بی‌نصیب

بودند ولیکن بعد از «واقعه عظیمه» - که ظاهراً همان جنبش نوزایی و علمی و صنعتی است - علاج درد عقب‌ماندگی خود را وجهه همت خویش قرار دادند (نائینی، ۱۳۷۸: ۲۴-۲۳).

مشروطه‌خواهی و مدرنیته اروپایی از کانال امپراتوری عثمانی و عراق، فضای اجتماعی، محیطی و عینی را به گونه‌ای ایجاد نمود که نظریه‌پردازان سلطنت مشروطه به لحاظ ذهنی و فکری، آمادگی پذیرش مشروطه را در نظرات فقهی خود داشتند. در سراسر بخش مهمی از سده نوزدهم و بیستم، امپراتوری عثمانی دستخوش فعالیت‌های اصلاح‌طلبانه شدیدی واقع شد. برنامه تنظیمات، فرمان خط شریف گلخانه، قانون اساسی و پارلمان‌تاریسم و ظهور روشنفکران ترک موسوم به «عثمانی‌های جوان» از جمله تحولات جدید و مدرن در بلاد عثمانی بود. این تحولات به صورت مستقیم فضای اجتماعی و محیطی عراق و نجف را تحت تأثیر خود قرار می‌داد و این تأثیر بازتابی جدی در ظهور نظریه سلطنت مشروطه داشت.

فعالیت جراید و انجمن‌ها در نجف: تحولات اصلاحی و روشنگرانه در امپراتوری عثمانی، در قالب مطبوعات، نوشته‌ها، جراید و تشکلات سیاسی و اجتماعی به حوزه عراق منتقل شد. علما و فقهای مشروطه خواه نجف در مواجهه مستقیم با آراء و افکار و تجلیات عینی و موجود قرار می‌گرفتند و مآلاً ذهنیت و اندیشه‌شان تحت نفوذ قرار می‌گرفت. گزارشات رسیده از فضای نجف حاکی از آن است که «عراق در آغاز این قرن در پیوند با جریانات فکری عربی در مصر و سوریه بود و بسیاری از مطبوعات این دو کشور مثل (مقطم)، (العروه الوثقی)، (الهلل المصریه)، (العرفان) ... در این سرزمین شناخته شده و معروف بود» (موسی نجفی، ۱۳۷۹: ۷۰-۶۹).

علاوه بر فعالیت جراید و مطبوعات مختلف، شاهد تشکل‌های مهمی نظیر «انجمن یا حزب اتحاد و ترقی»، «انجمن سعادت» در فضای نجف بودیم. جراید و انجمن‌های فعال در عراق و نجف در گسترش مفاهیم مدرن و جدید چون مشروطه، دموکراسی (دیموکراسی)، سوسیالیسم (اشتراکیه اجتماعی)، آزادی و برابری، تعلیم و تربیت و حریت نسوان، حقوق بشریه (همان: ۳۷۸) نقش بسیار فعالی داشتند. «انجمن سعادت» از تشکل‌های مشروطه‌خواه و مدرن در اسلامبول بود که با علما و فقهای مشروطه‌خواه شیعه، ارتباط برقرار کرده بود. از جانب آخوند خراسانی، نماینده‌ای به نام شیخ اسدالله مامقانی، به این انجمن در اسلامبول فرستاده شده بود (همان: ۶۹-۶۸). زمینه‌های عینی و علمی یاد شده در کنار بسترها و زمینه‌های ذهنی و نظری که در ادامه اشاره خواهد شد، سبب شکل‌گیری نظریه سلطنت مشروطه شد.

۲- بسترهای ایدئولوژیک و زبانی

نظریه سلطنت مشروطه، بر شانه‌ها و شالوده‌های یک سری زمینه‌های نظری و زبانی قرار گرفته است. با تحلیل محتوا و رمزگشایی از عناصر و مؤلفه‌های این نظریه، ردپای جدی و اساسی برخی بسترهای ایدئولوژیک و سنت‌های زبانی و معرفتی را می‌توان احصاء نمود. در ادامه به سه بستر خردگرایی در حوزه عراق، سنت و مکتب فقهی سیاسی مرتضی انصاری و مبنای روش شناختی اصولی به عنوان زمینه‌های ایدئولوژیک و زبانی اشاره خواهد شد.

۲-۱- **حوزه عراق و خردگرایی:** قبلاً اشاره شد که بعد از غیبت کبری تا اوایل قرن ۵، «مکتب قم» در فقه شیعه با گرایش‌های اخباری و نقل محور ظاهر گشت (فیرحی، ۱۳۷۸: ۲۶۶). در مقابل این مکتب فقهی، شاهد ظهور «مکتب بغداد» و در دوره‌های بعد «مکتب سامرا» و «مکتب نجف» بودیم. در دو سده اخیر و همراه با تحولات مشروطه‌خواهی در ایران، مکتب نجف با حضور فقهای اصولی و عقل‌گرا، منشأ تأثیر فراوان شد. به گزاف نیست اگر ادعا شود، دیدگاه فقهای مدافع سلطنت مشروطه در تنور سنت عقل‌گرایی و استدلالی، نجف آبدیده شد. تبار مکتب نجف در عصر مشروطه به لحاظ سنت زبانی و فکری- فقهی، به تلاش‌های خردگرایانه و اصولی استاد اکبر وحید بهبهانی برمی‌گردد. علاوه بر سابقه اصولی و عقل‌گرایی در حوزه عراق و نزد فقهای آن منطقه، گرایش به فلسفه و علوم معقول را نزد علمای حوزه عراق می‌توان مشاهده نمود. آخوند ملاحسینقلی همدانی، شاگرد مستقیم ملاهادی سبزواری بود و در عین حال علمایی چون واحداالعین اصفهانی، اصطهبانی، علی محمد نجف آبادی در حوزه نجف به تدریس فلسفه اشتغال داشته و از این رهگذر تفکر نواندیشان دینی چون سید جمال‌الدین اسد آبادی و عبدالحسین لاری را تغذیه می‌نمودند (سیدکباری، ۱۳۷۸: ۳۱۸-۲۹۰).

میرزا محمدحسین نائینی و یا شیخ اسماعیل محلاتی از فقهای نظریه‌پرداز تئوری سلطنت مشروطه به طور مستقیم از دروس و ادبیات و سنت فکری- زبانی آخوند خراسانی بهره می‌گرفتند. آخوند خراسانی در نجف در کنار دروس فقه و اصول به تدریس فلسفه ملاصدرا و سبزواری اشتغال داشت. اثر ماندگار آخوند در علم اصول با عنوان «کفایه الاصول» به علت طرح مباحث فلسفی و استدلال‌های عقل‌گرا شهره است. چنین فضای عقل‌گرا و خردگرایانه در حوزه

عراق و نجف، به لحاظ ذهنی و زبانی فقهای نواندیش را به سمت پذیرش و کنار آمدن با مشروطه به عنوان دستاوردی عقلی- بشری سوق می‌داد.

۲-۲- مکتب فقهی - سیاسی شیخ انصاری: یکی از ریشه‌های تنومند نظریه سلطنت مشروطه به لحاظ فقهی- سیاسی، به دیدگاه‌ها و آراء شیخ انصاری و آخوند خراسانی بر می‌گردد. بعد از فوت ملا احمد نراقی در عصر قاجار، مرجعیت تام و مطلق شیعه به شاگرد نامدار نراقی یعنی مرتضی انصاری منتقل می‌شود. مکتب شیخ انصاری مسیر و جریانی را گشود که بعد از وی در فقه شیعه و خصوصاً در حوزه نجف و عراق تبدیل به سنتی ایدئولوژیک و فکری شد. آخوند خراسانی، محمدحسین نائینی و قاطبه فقهای مشروطه‌خواه در تداوم مشرب شیخ انصاری می‌باشند. تأثیر مرتضی انصاری بر نظریه سلطنت مشروطه از دو جهت قابل بررسی است. جهت اول عقل‌گرایی و اصولی‌گری شیخ است. مرتضی انصاری با خلق اثر «فرائد الاصول» که مشهور به «رسائل» نیز می‌باشد، یکی از آثار جدی و مهم علم اصول را تدوین نمود. عمده نظریه‌پردازان سلطنت مشروطه در استدلال‌های فقهی خود با بهره‌گیری از سنت زبانی و روشی اصولی به اثبات و مقبولیت نظریه سلطنت مشروطه رسیده‌اند. در ارتباط با بحث اصول و تأثیر آن بر شکل‌گیری ایده سلطنت مشروطه در بخش بعدی بحث خواهد شد.

دومین جهت تأثیرگذاری شیخ انصاری بر نظریه‌پردازان و فقهای مشروطه‌خواه، به دیدگاه و تفسیر وی از ولایت فقیه و حدود و اختیارات آن و به صورت مبنایی‌تر به مسأله حکومت اسلامی در عصر غیبت برمی‌گردد. شیخ انصاری بر اساس نظریه «تقیه زمانی» شکل‌گیری و تلاش برای برپایی حکومت اسلامی و شیعی را در عصر غیبت رد می‌کند. به اعتقاد وی در عصر غیبت زندگی توأم با تقیه، تحت حکومت سلطان جائز و جور تجویز می‌شود (فیرحی، ۱۳۸۲: ۲۰۹). شیخ انصاری در کتاب فقهی «مکاسب» و ذیل عنوان بیع از مناصب سه‌گانه فقیه با عناوین منصب افتاء، حکومت (قضا) و تصرف در اموال و انفس سخن می‌گوید (الانصاری، ۱۴۲۲: ۵۴۵-۵۵۸). شیخ با پذیرش ولایت فقیه در دو منصب افتاء (فتوای شرعی) و قضاوت؛ ادله نقلی و عقلی را در پذیرش ولایت فقیه در منصب سوم که شامل امور عمومی و حکومتی نیز می‌باشد، ناقص و قاصر می‌داند. شیخ با بررسی روایات اذعان دارد که «انصاف آن است - بعد از ملاحظه سیاق روایات یا توجه به صدر و ذیل آن‌ها - شخص می‌شود که روایات وارده در مقام بیان وظایف فقها از حیث احکام و تکالیف شرعی می‌باشد، نه آن که همانند پیامبر و ائمه (ع)

بر مردم ولایت داشته باشند» (همان، ۵۵۳). شیخ انصاری این تفسیر را با بیان مثالی این گونه اظهار می‌کند که «قامه دلیل برای وجوب اطاعت از فقیه، چون اطاعت از امام - مگر در مواردی که به دلیل خارج شود - همانند خار در خرمن کوبیدن است» (همان، ۵۵۸). در نظریه سلطنت مشروطه نیز حکومت مشروع در عصر غیبت رد شده و به ظلم و جائز بودن حکومت‌های عصر غیبت اذعان می‌شود. از طرف دیگر مشابه استدلال انصاری در نظریه سلطنت مشروطه، اختیارات فقیه در حوزه عمومی، سیاسی و حکومتی به رسمیت شناخته نمی‌شود.

اصولی‌گری (مبنای روشی و معرفتی): اصولین در مقابل اخباریون شیعه، نظامی زبانی و معنایی را شکل بخشیدند که در درون آن عقل‌گرایی و خردگرایی و آمادگی پذیرش برای مفاهیم مدرن و جدید گشوده می‌شد. بنابراین عجیب نیست که ایده پردازان سلطنت مشروطه، خود هر کدام از اصولیون برجسته بوده و در استدلال‌های فقهی - سیاسی خود، از واژگان، مفاهیم، قواعد و چارچوب‌ها و زبانی استفاده می‌نمودند که سنت و گفتمان اصولی در اختیار آنها قرار می‌داد. حمید عنایت به درستی به این نکته توجه می‌کند که سابقه اصولی فقه‌های مشروطه خواه در شکل‌گیری سلطنت مشروطه بسیار مؤثر بود. به اعتقاد وی، گفتمان اصولی در اجتهاد شیعه، به دلیل دارا بودن عناصر و قابلیت‌هایی نظیر حجیت ظن، اصله الاباحه و برائت، حجیت عقل، قواعد و اصول عقلی (مستقلات عقلیه) می‌توانست تلقی منعطف‌تر و عینی‌تری نسبت به مسائل مستحدث اجتماعی - سیاسی و تحولات جدید داشته باشد (عنایت، ۱۳۷۲: ۲۸۸).

نظریه‌پردازان اصولی سلطنت مشروطه با بهره‌گیری از اصول و قواعد اصولی، از سنت سیاسی مشهور شیعه، گذر کرده و با اجتهاد ظنی خود، مشروطه‌خواهی را پذیرفتند. نائینی و دیگر مشروطه‌خواهان با مبنای اصولی خود، امورات بشری را به دو حوزه شرعی و عرفی تقسیم کرده و در حوزه عرفی و «مالانص فیه» به عقل و احکام عقلی رسمیت و اعتبار می‌بخشند. از طرف دیگر اعتقاد اصولیون به اصله الاباحه و برائت در امور غیرمنصوص به آنها اجازه می‌دهد که امور نوظهور و مباحی چون پارلمان، قانون، قانون اساسی و ... پذیرفتنی شود. اصل تقدیم اهم بر مهم، وجوب مقدمه واجب، دفع افسد به فاسد و ... جزو قواعد اصولی است که فقه‌های مشروطه خواه در اثبات سلطنت مشروطه و عناصر آن بدانها استناد می‌جستند. نائینی و دیگر فقه‌های مشروطه‌خواه در پذیرش اکثریت آراء (رأی اکثریت) و شورویت حکومت با توجه به قواعد

اصولی، اذعان می‌کنند که «گذشته از آن که لازمه اساس شورویتی که دانستی به نص کتاب ثابت است، اخذ به ترجیحات است عندالتعارض، و اکثریت عندالدوران، اقوی مرجحات نوعیه و اخذ طرف اکثر عقلاً ارجح از اخذ به شاذ است ... و با اختلاف آراء و تساوی در جهات مشروعیت، حفظاً للنظام متعین و ملزمش همان ادله داله بر لزوم حفظ نظام است» (نائینی، ۱۳۸۷: ۱۱۲-۱۱۱). چنانچه ملاحظه شد، نظام زبانی و ایدئولوژیک برآمده از اصول، فقهای مشروطه‌خواه را در نیل به نظریه سلطنت مشروطه بسیار یاری رساند.

نتیجه‌گیری

هر ایده و نظریه‌ای در خلأ شکل نمی‌گیرد. ایده‌ها، نظریه‌ها و ذهن متفکران در درون یکسری چارچوب‌ها و قواعد پیشینی شکل می‌یابد. البته این مسأله به معنای انفعال متفکر در مقابل چارچوب‌ها نباید تلقی شود بلکه به معنای تأثیرپذیری اندیشه‌ها از یکسری قواعد و اصول مهم است. در مقاله حاضر با بهره‌گیری از هرمنوتیک اسکینر که توجه ویژه‌ای به شکل‌گیری ایده‌ها در بستر و زمینه دارد به فهم دو نظریه مهم در فقه سیاسی شیعه تحت عناوین سلطنت مشروطه و سلطنت مشروعه بودیم. اسکینر در روش شناسی و متدولوژی خود در فهم اندیشه سیاسی به دو سری زمینه‌های عینی و نظری توجه نشان می‌دهد. به باور وی ایده‌ها، معانی و نظریه‌ها در درون بسترهای دوگانه ذکر شده شکل یافته و تحول می‌یابند. با الگو‌گیری از متد اسکینر در این مقاله، نظریه سلطنت مشروطه و مشروعه مورد بررسی قرار گرفت. به این منظور ادعای اصلی بر این گزاره استوار بود که دو نظریه یاد شده در درون و تحت تأثیر دو سری زمینه‌ها و بسترهای عملی و عینی و در عین حال ایدئولوژیک و نظری شکل گرفت. در جدول زیر به صورت دسته‌بندی شده و اختصار زمینه‌های دوگانه یاد شده احصاء شده است. نکته آخر اینکه در این مقاله تلاش شد، فارغ از نگاه‌های صرفاً توصیفی با استفاده از چارچوب‌ها و الگوهای روشی، به فهم و رمزگشایی نظریه‌های فقه سیاسی شیعه در عصر مشروطه بپردازیم.

بسترها و زمینه‌های سلطنت مشروطه و مشروعه			
سلطنت مشروطه		سلطنت مشروعه	
ایدئولوژیک و زبانی	عملی	ایدئولوژیک و زبانی	عملی
۱. حوزه عراق و خردگرایی ۲. مکتب فقهی-سیاسی شیخ انصاری ۳. اصولی‌گری (مبنای روشی و معرفتی	۱. گفتمان نواندیشی در جهان اسلام و عرب ۲. مشروطه‌خواهی در اروپا و بلاد اسلامی (عثمانی) ۳. فعالیت جراید و انجمن‌ها در نجف	۱. سنت تاریخی پیوند ایرانی شیعی ۲. نظریه سلطنت شیعی (عصر صفوی) ۳. اخباری‌گری (مبنای روشی و معرفتی)	۱. عصر ناصری و اصلاحات مدرن. ۲. گفتمان روشنفکری متجددان ایرانی ۳. جراید، انجمن‌ها و فعالیت زنان و مدارین جدید

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- آبراهامیان، پرواند (۱۳۷۸). **ایران بین دو انقلاب**، احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی. تهران: نی.
- آدمیت، فریدون (۱۳۸۵ الف). **امیرکبیر و ایران**، تهران: خوارزمی.
- _____ (۱۳۸۵ ب). **اندیشه ترقی و حکومت قانون (عصر سپهسالار)**. تهران: خوارزمی.
- آفاری، ژانت (۱۳۷۹). **انقلاب مشروطه ایران**، ترجمه رضا رضایی. تهران: بیستون.
- اسپریگنز، توماس (۱۳۷۷). **فهم نظریه‌های سیاسی**، ترجمه فرهنگ رجایی. تهران: آگه.
- اسکینر، کوئنتین (۱۳۸۰). **ماکیاولی**، ترجمه عزت‌اله فولادوند. تهران: طرح نو.
- ترکمان، محمد (۱۳۶۲). **رسائل، اعلامیه‌ها، مکتوبات... و روزنامه‌های شیخ شهید فضل‌الله نوری**. تهران: رسا
- حسینی بهشتی، سید علیرضا (۱۳۸۳). **جستارهایی در شناخت اندیشه سیاسی معاصر غرب**. تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۷۴). **رسائل مشروطیت (۱۸ رساله و لایحه درباره‌ی مشروطیت)**. تهران: کویر.
- زیباکلام، صادق (۱۳۷۹). **سنت و مدرنیته**. تهران: روزنه.
- سیدکباری، سیدعلیرضا (۱۳۷۸). **حوزه‌های علمیه شیعه در گستره‌ی جهان**. تهران: امیرکبیر.
- طباطبایی، سیدجواد (۱۳۸۵). **مکتب تبریز و مبانی تجددخواهی**. تبریز: ستوده.
- عنایت حمید (۱۳۷۶). **سیری در اندیشه سیاسی عرب**. تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۷۲). **اندیشه سیاسی در اسلام معاصر**، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران: خوارزمی.
- فیرحی، داوود (۱۳۷۸). **قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام**. تهران: نی.
- _____ (۱۳۸۲). **نظام سیاسی و دولت در اسلام**. تهران: سمت.

- کاتوزیان، همایون (۱۳۸۰). **تضاد دولت و ملت: نظریه‌ی تاریخ و سیاست در ایران**. تهران: نی.
- کرمانی، ناظم‌الاسلام (۱۳۵۷). **تاریخ بیداری ایرانیان**. به کوشش سعیدی سیرجانی. تهران: آگاه.
- کسروی، احمد (۲۵۳۵). **تاریخ مشروطه ایران**. تهران: امیرکبیر.
- کشفی، سید جعفر (۱۳۷۸). **میزان الملوک و الطوائف**، عبدالوهاب فراتی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- کواکبی، سید عبدالرحمن (۱۳۷۸). **طبایع الاستبداد یا سرشت‌های خودکامگی**، عبدالحسین میرزای قاجار و نقد و تصحیح محمدجواد صاحبی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۱). **مجموعه آثار**. تهران: صدرا.
- نائینی، محمدحسین (۱۳۷۸). **تنبیه‌الامه تنزیه‌المله**. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- نجفی، موسی (۱۳۷۹). **حوزه نجف و فلسفه تجدد در ایران**. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ب) منابع عربی

- الانصاری، الشیخ مرتضی (۱۴۲۲) **کتاب المکاسب**. الجزء الثانی، قم: مجمع‌الفکر الاسلامی.

ج) منابع انگلیسی

- Harrington, A. (2001). **Hermeneutic Dialogue and Social Science**, London: Rutledge.
- King, P. (1983). **The History of Ideas: an Introduction to Method**. New Jersey: Tawa.
- Skinner, Q. (1988). **Meaning and Context**, Edited by James Tully, New Jersey: Princeton University Press.
- (2002). **Visions of Politics, Vol. 3, Hobbes and Civil Science**. Cambridge University Press.
- Dasgupta, P., & Geuss, R. (2001). "Political Philosophy: The View From Cambridge", **Journal of Political Philosophy**, No.3 (February).
- Walzer, M. (1983). **Spheres of Justice: A Defense of Pluralism and Equality**. Oxford: Basil Blackwell.
- (1987). **Interpretation and Social Criticism**. Cambridge: Mass: Harvard University Press.